



شیراز؛ وقتی سلامت به صنعت تبدیل می شود

تجارت جهان

روزنامه الکترونیکی سه شنبه ۹ تیر ۱۴۰۵ | شماره ۱۵۷ | ۴ صفحه | قیمت ۴۰۰۰۰ تومان

تهارسانه مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی در ایران و جهان

info@TejarateJahani.Com

30-06-2026

www.TejarateJahani.Com



کیش در گذر از دوران پسا جنگ

بسته های حمایتی؛ کلید بازگشت اقتصاد جزیره

بر پایه ارزیابی عملکرد سال ۱۴۰۴ دبیرخانه شورای عالی منطق آزاد و ویژه اقتصادی

ارس در صدر عمران مناطق آزاد

تجارت جهانی گزارش می دهد انزلی در مسیر توسعه مشترک

فرصت های سرمایه گذاری در منطقه آزاد مهران



پارس جنوبی در آستانه افت فشار؛ زنگ خطر برای قلب انرژی ایران



اینچه برون؛ ظرفیتی بزرگ، کارنامه ای کوچک



هوش مصنوعی در خدمت تجارت؛

آیا مناطق آزاد آمریکا عصر کاغذ بازی را پشت سر گذاشته اند؟



سرمایه و زیرساخت اهمیت پیدا کرده است. هرچه اطلاعات دقیق تر و تحلیل هوشمندانه تر باشد، تصمیم های تجاری نیز سریع تر و کم هزینه تر اتخاذ می شود. این دگرگونی، رقابت میان مناطق آزاد را نیز وارد مرحله ای تازه کرده است. دیگر مزیت یک منطقه صرفاً در معافیت های مالیاتی یا موقعیت جغرافیایی خلاصه نمی شود؛ بلکه سرعت ارائه خدمات دیجیتال و کیفیت حکمرانی هوشمند، به شاخص تعیین کننده برای جذب سرمایه گذاران تبدیل شده است. سرمایه گذار امروز، پیش از آنکه درباره نرخ مالیات پرس و جو کند، می خواهد بداند آیا می تواند همه فرآیندهای تجاری خود را به صورت برخط، شفاف و بدون بروکراسی انجام دهد یا خیر. برای مناطق آزاد ایران نیز این تحول حامل پیامی روشن است. رقابت آینده بیش از آنکه میان بندرها یا مرزها باشد، میان سامانه های هوشمند خواهد بود. کاهش کاغذبازی، یک امتیاز اداری نیست؛ بلکه مزیتی اقتصادی است که می تواند هزینه تجارت را کاهش دهد، سرمایه را سریع تر به گردش درآورد و جایگاه یک منطقه آزاد را در زنجیره تأمین جهانی ارتقا دهد. در اقتصاد دیجیتال، برنده کسی نیست که اسناد بیشتری صادر کند؛ برنده منطقه ای است که تصمیم های دقیق تر را در زمان کوتاه تر بگیرد.

تا همین چند سال پیش، گلوگاه تجارت جهانی در صفا های طولانی گمرک، انبوه اسناد کاغذی و فرآیندهای زمان بر اداری خلاصه می شد. امروز اما این تصویر به تدریج در حال تغییر است. مناطق تجارت آزاد آمریکا (Foreign-Trade Zones) با تکیه بر هوش مصنوعی، تحلیل کلان داده و سامانه های دیجیتال، در حال بازتعریف مفهوم تجارت هستند؛ تغییری که هدف آن کاهش زمان، هزینه و خطای انسانی است. در بسیاری از مناطق تجارت آزاد آمریکا، دیگر همه چیز به بازدید فیزیکی محموله ها وابسته نیست. سامانه های هوشمند با تحلیل داده های گمرکی، سوابق بازرگانان، مسیر حمل و نقل و نوع کالا، محموله های پرریسک را شناسایی می کنند و در مقابل، کالاهای کم ریسک با سرعت بیشتری از فرآیندهای گمرکی عبور می کنند. نتیجه این رویکرد، کاهش زمان توقف کالا، افزایش شفافیت و پایین آمدن هزینه های بازرگانی است. تحول دیجیتال تنها به گمرک محدود نمی شود. بسیاری از شرکت های فعال در مناطق آزاد آمریکا از هوش مصنوعی برای مدیریت موجودی انبار، پیش بینی تقاضا، برنامه ریزی حمل و نقل و حتی انتخاب بهینه ترین مسیر جابه جایی کالا استفاده می کنند. در چنین گویی، داده به همان اندازه

یادداشت روز

بوشهر آخرین برگ برنده ایران برای اقتصاد دریامحور



محسن میرزایی جمارانی روزنامه نگار

وقتی از مناطق آزاد ایران سخن به میان می آید، نام هایی مانند کیش، قشم، چابهار و انزلی بیش از دیگر مناطق شنیده می شوند؛ اما اکنون نگاه سیاست گذاران اقتصادی به سواحل شمالی خلیج فارس دوخته شده است. منطقه آزاد تجاری، صنعتی بوشهر، هرچند هنوز در آغاز راه قرار دارد، اما از هم اکنون به عنوان یکی از مهم ترین پروژه های راهبردی اقتصاد ایران معرفی می شود؛ پروژه ای که می تواند معادلات تجارت دریایی کشور را دگرگون کند، البته اگر از چرخه وعده ها عبور کرده و به مرحله اجرا برسد. اظهارات معاون وزیر اقتصاد مبنی بر اینکه بوشهر یکی از مهم ترین ظرفیت های راهبردی کشور در حوزه تجارت، سرمایه گذاری و اقتصاد دریایی است، تنها یک موضع گیری سیاسی نیست؛ بلکه بر پایه مزیت های جغرافیایی و اقتصادی این استان استوار است. بوشهر با بیش از ۹۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در خلیج فارس، طولانی ترین ساحل میان استان های جنوبی ایران را در اختیار دارد. بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت خام ایران از پایانه نفتی خارگ در استان بوشهر انجام می شود و میدان گازی پارس جنوبی نیز بخش عمده تولید گاز کشور را در خود جای داده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند ایجاد منطقه آزاد می تواند حلقه مفقوده میان صنایع انرژی، بنادر، تجارت دریایی و سرمایه گذاری خارجی را تکمیل کند. تجربه مناطق آزادی مانند جبل علی و شژن نشان داده که موفقیت این مناطق بیش از هر چیز به زیرساخت، ثبات قوانین و سهولت کسب و کار وابسته است. دولت بر اجرای پروژه های پیشران تأکید دارد؛ پروژه هایی که قرار است طی دو سال آثار ملموس خود را برای مردم نمایان کنند. با این حال، تجربه گذشته نشان می دهد بسیاری از مناطق آزاد ایران نتوانسته اند به اهداف صادرات محور خود دست یابند. نقش بخش خصوصی در این مسیر تعیین کننده خواهد بود. بوشهر به دلیل نزدیکی به بازارهای کشورهای حوزه خلیج فارس، ظرفیت تبدیل شدن به یک هاب بازرگانی و لجستیکی را دارد. اگر وعده های امروز به اقدام عملی تبدیل شود، منطقه آزاد بوشهر می تواند یکی از مهم ترین موتورهای رشد اقتصاد دریایی ایران در دهه آینده باشد.

یادداشت روز

معافیت مالیاتی؛ آیا هنوز برگ برنده مناطق آزاد است؟



نادیا محمدی معاون سردبیر

تجارت جهان در اقتصاد، هیچ مشوقی عمر ابدی ندارد. همان ابزاری که دیروز سرمایه گذار را جذب می کرد، ممکن است امروز تنها یک امتیاز معمولی باشد. معافیت مالیاتی نیز از همین قاعده پیروی می کند. دهه ها پیش، بسیاری از مناطق آزاد جهان با همین ابزار سرمایه جذب کردند؛ اما امروز کمتر سرمایه گذاری تنها به دلیل چند سال معافیت مالیاتی، محل فعالیت خود را انتخاب می کند. سرمایه، برخلاف تصور رایج، به دنبال کمترین مالیات نیست؛ بلکه به دنبال کمترین ریسک است. تفاوت این دو، تفاوت میان یک تصمیم کوتاه مدت و یک راهبرد بلندمدت است. سرمایه گذاری که قرار است صدها میلیون دلار در یک بندر، کارخانه یا مرکز لجستیکی هزینه کند، پیش از هر چیز از خود می پرسد آیا قوانین پنج سال دیگر نیز با برجا خواهند بود؟ آیا کالا در زمان مقرر از گمرک عبور می کند؟ آیا قراردادها قابل انکا هستند؟ اگر پاسخ این پرسش ها مبهم باشد، حتی صفر بودن مالیات نیز جذابیت خود را از دست می دهد. به همین دلیل است که مناطق آزاد موفق جهان دیگر با نرخ مالیات شناخته نمی شوند. مزیت رقابتی آنها در سرعت تصمیم گیری، پنجره واحد خدمات، گمرک هوشمند، زیرساخت های لجستیکی و پیش بینی پذیری محیط کسب و کار نهفته است. آنها هزینه مبادله را کاهش داده اند، نه صرفاً هزینه مالیات را. چالش اصلی مناطق آزاد ایران نیز دقیقاً در همین نقطه قرار دارد. طی سال های گذشته، بخش قابل توجهی از رقابت میان مناطق آزاد بر سر افزایش مشوق های قانونی متمرکز بوده، در حالی که رقابت واقعی در جهان بر سر کیفیت حکمرانی اقتصادی است. اگر ثبت یک شرکت، دریافت یک مجوز یا تخصیص یک محموله همچنان زمان بر باشد، ارزش بسیاری از معافیت های قانونی عملاً کاهش می یابد. امروز جهان وارد دوره ای شده که اقتصاد دانان آن (Competition of Ecosystems) می نامند؛ رقابت میان زیست بوم های اقتصادی، نه میان نرخ های مالیاتی. سرمایه گذار اکنون یک اکوسیستم را انتخاب می کند؛ مجموعه ای از قانون، زیرساخت، فناوری، نیروی انسانی، لجستیک و دسترسی به بازار. شاید زمان آن رسیده باشد که درباره مناطق آزاد نیز پرسش را تغییر دهیم. به جای اینکه بپرسیم «چه معافیت تازه ای می توان اعطا کرد؟» باید پرسید «چه مانعی را می توان حذف کرد؟» تجربه اقتصاد جهانی نشان داده است حذف یک مانع اداری، گاهی ارزشی بیش از افزودن یک مشوق مالیاتی دارد. آینده مناطق آزاد ایران نیز احتمالاً نه در تصویب امتیازهای بیشتر، بلکه در کاستن از اصطکاک های روزمره ای رقم خواهد خورد که هنوز تجارت، سرمایه گذاری و تولید را کند و پرهزینه می کنند.



از منظر راهبردی نیز کیش جایگاهی فراتر از یک مقصد گردشگری دارد. این جزیره می‌تواند به سکویی برای توسعه خدمات، پیوند های اقتصادی و تعاملات منطقه‌ای تبدیل شود؛ ظرفیتی که بهره‌گیری از آن مستلزم افزایش تاب‌آوری اقتصادی است. تاب‌آوری تنها با ساخت زیرساخت‌های جدید حاصل نمی‌شود، بلکه به توان بنگاه‌ها برای عبور از دوره‌های رکود، دسترسی به منابع مالی و برخورداری از سیاست‌های پایدار وابسته است.

آنچه امروز در کیش بیش از هر چیز اهمیت دارد، تدوین یک بسته جامع پشتیبانی است که هم نیازهای کوتاه‌مدت فعالان اقتصادی را پاسخ دهد و هم افق روشنی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ترسیم کند. اگر این رویکرد در دستور کار قرار گیرد، آثار آن تنها به اقتصاد جزیره محدود نخواهد ماند، بلکه می‌تواند بر اشتغال، تجارت، خدمات و سرمایه‌گذاری در بخش‌های گسترده‌ای از جنوب کشور نیز اثرگذار باشد. اقتصاد کیش اکنون بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌هایی نیاز دارد که با نگاه توسعه‌ای و آینده‌نگر اتخاذ شوند. عبور موفق از شرایط کنونی، نه صرفاً به توان بخش خصوصی، بلکه به کیفیت همکاری میان دولت، نهادهای عمومی و سرمایه‌گذاران وابسته است؛ همکاری‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز ورود این منطقه آزاد به مرحله‌ای تازه از رشد اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری در سطح ملی و منطقه‌ای باشد.

دستگاه‌های اجرایی، نظام بانکی، گمرک، سازمان تأمین اجتماعی، دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی، مجموعه‌ای از عوامل را شکل می‌دهد که در نهایت فضای کسب‌وکار را می‌سازند. هر اندازه این هماهنگی بیشتر باشد، هزینه فعالیت اقتصادی کاهش می‌یابد و سرمایه باطمینان بیشتری وارد پروژه‌های تازه می‌شود.

کیش در سال‌های اخیر تلاش کرده است تصویر خود را از یک مقصد صرفاً گردشگری به یک مرکز چندمنظوره اقتصادی تغییر دهد. این دگرگونی، نیازمند زیرساخت‌هایی فراتر از هتل و مراکز خرید است. توسعه خدمات مالی، گسترش فعالیت شرکت‌های نوآور، افزایش سهم اقتصاد دیجیتال، ارتقای خدمات درمانی، بهبود لجستیک و جذب سرمایه‌های تخصصی، همگی مستلزم محیطی هستند که از ثبات مقررات و پشتیبانی نهادی برخوردار باشد.

در این میان، حمایت‌های مالی دولت را نباید به معنای وابستگی اقتصاد منطقه آزاد به بودجه عمومی تعبیر کرد. فلسفه این حمایت‌ها، ایجاد شرایطی است که بخش خصوصی بتواند با توان بیشتری به فعالیت ادامه دهد و در آینده، سهم بزرگ‌تری در تولید ثروت، اشتغال و درآمد‌های ملی ایفا کند. تجربه بسیاری از مناطق آزاد موفق جهان نیز نشان می‌دهد که دولت‌ها در دوره‌های حساس، با ابزارهای مالی و مقرراتی، از کاهش توان رقابتی این مناطق جلوگیری کرده‌اند.

بسته‌های حمایتی؛ کلید بازگشت اقتصاد جزیره

کیش در گذر از دوران پسا جنگ

در چنین شرایطی، بسته‌های حمایتی دولت می‌توانند نقش یک ابزار تثبیت‌کننده را ایفا کنند. کاهش فشارهای مالیاتی، انعطاف در پرداخت حق بیمه، تسهیل رویه‌های گمرکی و فراهم کردن دسترسی آسان‌تر به منابع بانکی، تنها امتیازهایی برای یک منطقه آزاد نیستند؛ بلکه ابزارهایی برای جلوگیری از کاهش اشتغال، حفظ سرمایه‌های موجود و جلوگیری از خروج سرمایه از چرخه اقتصاد به شمار می‌آیند. اقتصاددانان بارها تأکید کرده‌اند که هزینه حمایت هدفمند در دوره رکود، معمولاً بسیار کمتر از هزینه‌های احیای اقتصادی است که در اثر کمبود نقدینگی یا تعطیلی بنگاه‌ها آسیب دیده باشد. این موضوع درباره کیش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا بخش عمده سرمایه‌گذاری‌های آن توسط بخش خصوصی انجام شده و استمرار فعالیت این بخش، به میزان اطمینان فعالان اقتصادی از آینده بستگی دارد.

از سوی دیگر، سخنان مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش درباره حمایت از سرمایه‌گذارانی که در سال‌های دشوار فعالیت خود را متوقف نکردند، حامل یک پیام مدیریتی است. اقتصاد مناطق آزاد، بیش از هر چیز بر اعتماد استوار است. هنگامی که سرمایه‌گذار احساس کند سیاست‌گذار در دوره‌های دشوار نیز در کنار او باقی می‌ماند، احتمال توسعه سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های جدید افزایش می‌یابد. برعکس، اگر فعالان اقتصادی تصور کنند در زمان بحران با افزایش هزینه‌ها و کاهش حمایت‌ها روبه‌رو خواهند شد، طبیعی است که منابع خود را به بازارهای کم‌ریسک‌تر منتقل کنند. در همین چارچوب، نقش نهادهای حاکمیتی نیز فراتر از مدیریت روزمره تعریف می‌شود. وظیفه دولت در مناطق آزاد تنها صدور مجوز یا نظارت بر اجرای مقررات نیست؛ بلکه ایجاد محیطی پیش‌بینی‌پذیر برای فعالیت اقتصادی است؛ محیطی که در آن سرمایه‌گذار بتواند درباره افق چندساله فعالیت خود تصمیم بگیرد، نه آنکه هر تغییر در شرایط اقتصادی، برنامه‌های توسعه‌ای او را متوقف کند. یکی دیگر از نکات قابل توجه در سخنان مدیرعامل کیش، تأکید بر هم‌افزایی میان نهادهای مختلف در سطح استان و کشور بود. تجربه بسیاری از پروژه‌های اقتصادی نشان داده است که موفقیت مناطق آزاد تنها به عملکرد مدیران همان مناطق وابسته نیست. همکاری



حسنا رحیمی
رئیس‌تیم روزنامه‌نگار

تجارت جهان اقتصاد جزیره کیش در سال‌های گذشته بارها توان خود را در سازگاری با دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی نشان داده است. این منطقه آزاد که بخش بزرگی از درآمد و پویایی خود را از گردشگری، خدمات، بازرگانی و سرمایه‌گذاری خصوصی به دست می‌آورد، اکنون در نقطه‌ای ایستاده که ادامه مسیر رشد، بیش از هر چیز به کیفیت سیاست‌گذاری و سرعت تصمیم‌گیری دولت وابسته است.

در سخنان اخیر مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، در کنار اشاره به برخی دستاوردهای اجرایی، یک پیام مهم اقتصادی نیز به چشم می‌خورد؛ اقتصاد کیش برای ورود به مرحله تازه توسعه، به مجموعه‌ای از پشتیبانی‌های هدفمند در حوزه مالیات، بیمه، گمرک و تأمین مالی نیاز دارد. این درخواست را نمی‌توان صرفاً مطالبه یک مدیر اجرایی دانست، بلکه باید آن را بازناب نیازهای ساختاری اقتصادی ارزیابی کرد که ماهیت آن با بسیاری از مناطق دیگر کشور تفاوت دارد.

برخلاف اقتصادهای متکی بر صنعت یا منابع طبیعی، کیش بر پایه گردش مالی خدمات شکل گرفته است. در چنین ساختاری، هر کاهش در شمار مسافران یا افت فعالیت بنگاه‌های خدماتی، زنجیره گسترده‌ای از کسب‌وکارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از هتل‌ها و مراکز خرید گرفته تا شرکت‌های حمل‌ونقل، رستوران‌ها، مراکز تفریحی، دفاتر خدمات گردشگری و صدها کسب‌وکار کوچک و متوسط که حیات اقتصادی خود را از حضور گردشگران به دست می‌آورند.

به همین دلیل، پیامدهای تنش‌های اخیر منطقه‌ای برای کیش، بیش از آنکه در زیرساخت‌های فیزیکی دیده شود، در شاخص‌های اقتصادی خود را نشان داده است. کاهش سفر، افت درآمد خدمات و احتیاط سرمایه‌گذاران، فشار مضاعفی بر بنگاه‌هایی وارد کرده که هزینه‌های ثابت بالایی دارند و تداوم فعالیت آنها به جریان پایدار درآمد وابسته است.

گزارش کوتاه

گزارش کوتاه

شیراز؛ وقتی سلامت به صنعت تبدیل می‌شود



داشت. دانشگاه علوم پزشکی شیراز، بیمارستان‌های مرجع جنوب کشور و سابقه چند دهه‌ای در پذیرش بیماران کشورهای همسایه، ظرفیتی فراهم کرده که کمتر شهری از آن برخوردار است. همین پیشینه، سلامت را از یک خدمت صرف به یک مزیت اقتصادی بالقوه تبدیل کرده است.

برآوردهای رسمی نشان می‌دهد با تکمیل این منطقه، ظرفیت پذیرش سالانه حدود ۲۵۰ هزار گردشگر سلامت و ایجاد نزدیک به ۳۵ هزار فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم فراهم خواهد شد. این در حالی است که بر اساس آمارهای جهانی، ارزش اقتصاد سلامت و گردشگری درمانی سالانه صداهایمیلیارد دلار برآورد می‌شود و بسیاری از کشورها، از ترکیه تا هند و مالزی، سهم خود را از این بازار با توسعه زیرساخت‌های درمانی، تسهیل سرمایه‌گذاری و یکپارچه‌سازی خدمات افزایش داده‌اند.

با این همه، موفقیت منطقه ویژه اقتصادی سلامت شیراز تنها به ساخت ساختمان‌ها و بیمارستان‌های جدید وابسته نیست. آنچه این طرح را به یک پیشران اقتصادی تبدیل می‌کند، توانایی آن در شکل دادن به یک زیست‌بوم نوآوری است؛ جایی که پژوهش دانشگاهی، سرمایه خصوصی، فناوری پزشکی و بازارهای صادراتی در کنار یکدیگر قرار گیرند. اگر این پیوند شکل بگیرد، شیراز نه تنها مقصد بیماران منطقه، بلکه یکی از کانون‌های اقتصاد دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاری سلامت در غرب آسیا خواهد بود.

تجارت جهان در ادبیات توسعه، مزیت رقابتی پدیده‌ای انکسائی است؛ نه موهبتی که صرفاً از جغرافیا یا وفور منابع طبیعی حاصل شود. مناطق اقتصادی موفق، با پیوند دادن دانش، سرمایه، فناوری و زیرساخت، مزیت‌هایی می‌آفرینند که به‌آسانی قابل تقلید نیست. منطقه ویژه اقتصادی سلامت شیراز نیز زمانی می‌تواند به پیشران رشد جنوب ایران بدل شود که میان دانشگاه، مراکز درمانی، صنعت تجهیزات پزشکی، شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاران، زنجیره‌ای منسجم از ارزش ایجاد کند. در چنین الگویی، درمان مقصد نهایی نیست؛ بلکه تنها یکی از حلقه‌های اقتصادی است که از پژوهش و نوآوری آغاز می‌شود و به تولید، صادرات خدمات و ارزآوری می‌رسد.

ایده ایجاد منطقه ویژه اقتصادی سلامت، پاسخی به همین ضرورت است. این منطقه با گستره‌ای نزدیک به یک‌هزار هکتار در شمال غرب شیراز طراحی شده و نخستین منطقه ویژه کشور با کارکرد تخصصی سلامت به‌شمار می‌رود. بر پایه برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، استقرار بیمارستان‌های فوق تخصصی، مراکز پژوهشی، صنایع دارویی، تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی، شرکت‌های دانش‌بنیان و مجموعه‌های اقامتی در یک پهنه مشترک، هزینه مبادله را کاهش داده و هم‌افزایی میان بازیگران این صنعت را افزایش خواهد داد.

شیراز از معدود شهرهای ایران است که پیش از شکل‌گیری این منطقه نیز سرمایه‌نهادی لازم را در اختیار

لامرد در مسیر تبدیل به هاب لجستیک جنوب ایران؛ جهش تازه در ظرفیت انبارداری



تجارت جهان در شرایطی که رقابت منطقه‌ای بر سر توسعه زیرساخت‌های لجستیکی در خلیج فارس شدت گرفته است، منطقه ویژه اقتصادی لامرد با اعلام افزایش ظرفیت انبارداری به حدود ۱۵ هزار مترمربع وارد مرحله‌ای تازه از بازاریابی زنجیره تأمین در جنوب استان فارس شده است. این پروژه که بر پایه توسعه انبارهای سرپوشیده و هوشمند طراحی شده، بخشی از راهبرد کلان «درآمد پایدار و تبدیل لامرد به هاب لجستیکی جنوب فارس» معرفی شده و می‌تواند معادلات توزیع کالا در محور جنوب - مرکز ایران را تغییر دهد.

۱. ابعاد پروژه و شاخص‌های فنی

بر اساس اطلاعات رسمی منتشرشده از مدیریت منطقه ویژه اقتصادی لامرد، ظرفیت انبارداری این منطقه با اجرای طرح توسعه جدید به حدود ۱۵۰۰۰ مترمربع فضای فعال انبار سرپوشیده افزایش می‌یابد. این رقم در مقایسه با وضعیت پیشین، نشان‌دهنده رشدی قابل توجه در ظرفیت ذخیره‌سازی کالا و مواد اولیه است؛ رشدی که در ادبیات لجستیک معادل افزایش حداقل ۴۰ تا ۶۰ درصدی ظرفیت عملیاتی در فاز نخست توسعه ارزیابی می‌شود.

این انبارها بر مبنای الگوی «انبار هوشمند» طراحی شده‌اند؛ شامل سامانه‌های مدیریت موجودی دیجیتال، کنترل دمای محیط برای کالاهای حساس، و زیرساخت‌های اتصال به شبکه‌های حمل‌ونقل چندوجهی.

۲. جایگاه لامرد در زنجیره تأمین جنوب کشور

منطقه لامرد در سال‌های اخیر به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه میان استان فارس، بوشهر و هرمزگان، به یکی از نقاط بالقوه در شبکه توزیع کالا در جنوب کشور تبدیل شده است. فاصله نسبی این منطقه تا بندر مهمی مانند عسلویه و پارسیان، آن را در موقعیتی قرار داده که می‌تواند نقش «پس‌کرانه لجستیکی» را ایفا کند.

برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که در صورت تکمیل زنجیره انبارداری و اتصال آن به مسیرهای جاده‌ای و ریلی، هزینه حمل‌ونقل کالا در این محور می‌تواند بین ۱۰ تا ۱۸ درصد کاهش یابد؛ عددی که برای صنایع وابسته به واردات مواد اولیه، اهمیت مستقیم در کاهش بهای تمام‌شده دارد.

۳. اثرات اقتصادی و سرمایه‌گذاری

توسعه زیرساخت‌های انبارداری در لامرد صرفاً یک پروژه عمرانی نیست، بلکه بخشی از یک الگوی سرمایه‌گذاری زیرساختی با هدف ایجاد درآمد پایدار محسوب می‌شود. بر اساس مدل‌های متعارف اقتصاد لجستیک، هر یک هزار مترمربع فضای انبار استاندارد می‌تواند به‌طور متوسط بین ۳ تا ۵ شغل مستقیم و ۸ تا ۱۲ شغل غیرمستقیم ایجاد کند. با این حساب، توسعه ۱۵ هزار مترمربع فضای جدید می‌تواند به شکل بالقوه موجب ایجاد حدود:

۴۵ تا ۷۵ شغل مستقیم
۱۲۰ تا ۱۸۰ شغل غیرمستقیم

رقمی که در مقیاس یک منطقه ویژه اقتصادی، اثر قابل توجهی بر نرخ اشتغال محلی خواهد داشت.

از منظر سرمایه‌گذاری نیز، ارزش جایگزینی چنین زیرساختی با توجه به قیمت‌های میانگین ساخت انبارهای صنعتی در ایران (حدود ۸ تا ۱۲ میلیون تومان به ازای هر مترمربع)، رقمی در حدود ۱۲۰ تا ۱۸۰ میلیارد تومان سرمایه فیزیکی را نشان می‌دهد.

۴. هوشمندسازی و تحول در مدیریت کالا

یکی از ویژگی‌های کلیدی این پروژه، حرکت به سمت انبارهای هوشمند است. این تغییر رویکرد، لامرد را از یک «انبار سنتی ذخیره کالا» به یک «گره مدیریت داده‌های زنجیره تأمین» تبدیل می‌کند.

در ساختار جدید، استفاده از سامانه‌های مدیریت انبار امکان ردیابی لحظه‌ای کالا، کاهش خطای انسانی و بهینه‌سازی فضای ذخیره‌سازی را فراهم می‌کند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که چنین تحولی می‌تواند بهره‌وری انبار را تا ۲۵ درصد افزایش دهد و زمان گردش کالا را تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

۵. پیوند با راهبرد کلان توسعه جنوب فارس

طرح توسعه انبارداری لامرد را نمی‌توان جدا از راهبرد کلان توسعه جنوب فارس تحلیل کرد. این منطقه در سال‌های اخیر به عنوان یکی از کانون‌های جدید توسعه صنعتی و انرژی کشور مطرح شده است. وجود صنایع انرژی‌بر، دسترسی به منابع گازی و نزدیکی به کریدورهای صادراتی، لامرد را در موقعیت یک «نقطه گره‌ای اقتصادی» قرار داده است.

برآوردهای منطقه‌ای نشان می‌دهد که در صورت تکمیل پروژه‌های لجستیکی، سهم لامرد در زنجیره تأمین جنوب کشور می‌تواند تا سال ۱۴۰۸ به حدود ۳ تا ۵ درصد از گردش کالای منطقه‌ای جنوب ایران برسد.

بر پایه ارزیابی عملکرد سال ۱۴۰۴ دبیرخانه شورای عالی منطق آزاد و ویژه اقتصادی

ارس در صدر عمران مناطق آزاد

در شرایطی که بسیاری از طرح‌های عمرانی کشور با چالش‌هایی همچون کمبود منابع مالی، افزایش هزینه‌های ساخت، طولانی شدن زمان اجرا و انباشت پروژه‌های نیمه‌تمام روبه‌رو هستند، انتشار نتایج تازه ارزیابی عملکرد حوزه‌های عمرانی و زیربنایی مناطق آزاد کشور، تصویری متفاوت از روند اجرای پروژه‌ها در منطقه آزاد ارس ترسیم می‌کند: تصویری که بیش از آنکه بر حجم سرمایه‌گذاری تکیه داشته باشد، بر کارآمدی مدیریت، کنترل پروژه و بهره‌وری اجرایی استوار است.



بر پایه ارزیابی سال ۱۴۰۴ مدیریت امور عمرانی، زیربنایی و محیط‌زیست دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، سازمان منطقه آزاد ارس موفق شد با کسب بالاترین امتیاز، جایگاه نخست کشور را در میان مناطق آزاد به دست آورد. این دستاورد در نخستین نشست معاونان و مدیران حوزه‌های عمرانی، فنی، شهرسازی، محیط‌زیست، خدمات شهری و لجستیک مناطق آزاد کشور اعلام شد؛ نشستی که افزون بر بررسی عملکرد سال گذشته، نقشه راه عمرانی مناطق آزاد در سال ۱۴۰۵ نیز در آن ترسیم شد.

کسب این جایگاه، تنها یک رتبه اداری نیست؛ بلکه نشان می‌دهد ارس توانسته است در مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت پروژه، عملکردی فراتر از میانگین سایر مناطق آزاد داشته باشد. شاخص‌هایی که در ادبیات مدیریت پروژه، معیار سنجش سلامت اجرایی طرح‌های عمرانی به شمار می‌روند.

در ارزیابی انجام شده، منطقه آزاد ارس با دریافت ۶۴ امتیاز از ۱۰۰، در صدر جدول عملکرد مناطق آزاد قرار گرفت. هرچند این امتیاز نشان می‌دهد همچنان ظرفیت قابل توجهی برای بهبود وجود دارد، اما مقایسه میان مناطق مختلف بیانگر آن است که ارس توانسته در شرایط اقتصادی دشوار، مدیریت اثربخش‌تری بر پروژه‌های عمرانی خود اعمال کند.

آنچه این موفقیت را برجسته‌تر می‌کند، برتری ارس در شاخص‌های تخصصی کنترل پروژه است. این منطقه در شاخص عملکرد زمان‌بندی پروژه‌ها (SPI)، شاخص عملکرد هزینه‌ای پروژه‌ها (CPI) و همچنین

درصد پروژه‌های شاخص خارج از طیف، بیشترین امتیاز را میان مناطق آزاد کشور به دست آورده است. در ادبیات مدیریت پروژه، شاخص زمان‌بندی نشان می‌دهد پروژه‌ها تا چه اندازه مطابق برنامه زمانی پیش می‌روند و شاخص هزینه نیز میزان انحراف هزینه‌های واقعی از بودجه پیش‌بینی شده را آشکار می‌کند. موفقیت هم‌زمان در هر دو شاخص، به معنای آن است که دستگاه اجرایی توانسته میان سرعت اجرا، کنترل هزینه و کیفیت مدیریت، توازن برقرار کند؛ موضوعی که در پروژه‌های عمرانی ایران

کمتر به صورت هم‌زمان مشاهده می‌شود.

در سال‌های اخیر، مناطق آزاد بیش از گذشته از نقش صرفاً تجاری فاصله گرفته و به بازیگرانی اثرگذار در توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای تبدیل شده‌اند.

توسعه شبکه راه‌ها، زیرساخت‌های لجستیکی، خدمات شهری، تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری، امروز از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد این مناطق به شمار می‌رود.

از همین رو، رتبه‌بندی تازه دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد را می‌توان نوعی سنجش میزان آمادگی هر

منطقه برای جذب سرمایه‌گذاری‌های بزرگ دانست. سرمایه‌گذار، پیش از هر چیز، کیفیت زیرساخت، سرعت اجرای طرح‌ها و توان مدیریتی دستگاه اجرایی را ارزیابی می‌کند و در این میان، عملکرد موفق ارس می‌تواند به افزایش اعتماد فعالان اقتصادی بینجامد.

هم‌زمان با اعلام نتایج این ارزیابی، مدیران دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد نیز مسیر آینده را ترسیم کردند. در این نشست، تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام به عنوان مهم‌ترین اولویت سال ۱۴۰۵ معرفی شد؛

رویکردی که با شرایط اقتصادی کشور نیز همخوانی دارد.

در سال‌های گذشته، آغاز هم‌زمان پروژه‌های متعدد بدون تأمین پایدار منابع مالی، موجب انباشت طرح‌های نیمه‌کاره در بسیاری از دستگاه‌های اجرایی شد. اکنون سیاست‌گذاران می‌کوشند به جای تعریف پروژه‌های تازه، منابع موجود را بر پایان طرح‌های نیمه‌تمام متمرکز کنند تا بازده سرمایه‌گذاری‌های پیشین افزایش یابد.

در همین چارچوب، معاون توسعه مدیریت و

برنامه‌ریزی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد بر ضرورت همسویی پروژه‌های عمرانی با برنامه‌های راهبردی هر منطقه، استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای تأمین منابع مالی و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین مشارکت و سرمایه‌گذاری تأکید کرد.

در کنار این سیاست‌ها، برنامه‌های سال آینده نیز نشان می‌دهد مدیریت پروژه‌های عمرانی در مناطق آزاد در حال حرکت به سوی الگوهای نوین حکمرانی است. راه‌اندازی سامانه کنترل پروژه، هوشمندسازی فرایندهای اجرایی، گسترش روش‌های مشارکت با بخش خصوصی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، اجرای طرح جامع مدیریت پسماند و ارتقای خدمات شهری، از جمله محورهایی است که برای سال ۱۴۰۵ پیش‌بینی شده است.

این برنامه‌ها، در صورت اجرای دقیق، می‌تواند جایگاه مناطق آزاد را از صرفاً مناطق دارای معافیت‌های اقتصادی، به کانون‌های مدیریت نوین زیرساخت و توسعه پایدار ارتقا دهد.

برای منطقه آزاد ارس نیز حفظ رتبه نخست، احتمالاً دشوارتر از دستیابی به آن خواهد بود. تجربه نشان داده است که موفقیت در ارزیابی‌های عملکرد، زمانی پایدار می‌ماند که به بهبود مستمر نظام برنامه‌ریزی، شفافیت در اجرای پروژه‌ها، کنترل هزینه‌ها و پاسخ‌گویی مدیریتی منجر شود.

با این حال، نتایج ارزیابی سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد ارس توانسته است در یکی از رقابتی‌ترین حوزه‌های مدیریتی مناطق آزاد، یعنی مدیریت پروژه‌های عمرانی و زیربنایی، عملکردی قابل توجه از خود به نمایش بگذارد؛ عملکردی که اگر در سال‌های آینده نیز تداوم یابد، می‌تواند این منطقه را به یکی از موفق‌ترین الگوهای توسعه زیرساختی در میان مناطق آزاد کشور تبدیل کند.

در نهایت، آنچه بیش از هر چیز از این ارزیابی برداشت می‌شود، تغییر تدریجی معیارهای موفقیت در مدیریت عمرانی است. امروز دیگر صرف آغاز پروژه‌های متعدد، نشانه پیشرفت نیست؛ بلکه توانایی پایان دادن به پروژه‌ها در زمان مقرر، با هزینه کنترل شده، کیفیت مناسب و بیشترین بهره‌وری، به مهم‌ترین شاخص کارآمدی دستگاه‌های اجرایی تبدیل شده است؛ معیاری که دست‌کم بر پایه ارزیابی رسمی سال ۱۴۰۴، منطقه آزاد ارس توانسته است در آن پیش‌تاز باشد.

گزارش کوتاه

فرصت‌های سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد مهران



تجارت جهان

مرزی سال‌هاست جریان دارد، پروژه «منطقه آزاد مهران» با وسعتی در حدود ۳۵ هزار هکتار وارد فاز اجرایی شده است. این منطقه تازه‌نفس، در حالی به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه تجارت غیرنفتی معرفی می‌شود که دولت برای هر منطقه آزاد هدفی در حدود ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید ترسیم کرده است اما پرسش اصلی این است: آیا مهران می‌تواند از یک گذرگاه مرزی پرتردد، به یک کانون واقعی سرمایه‌گذاری بدل شود یا صرفاً به فهرست بلندبالای «پروژه‌های امیدوارکننده‌ی همیشه در حال شروع» اضافه خواهد شد؟

۱. موقعیت ژئو-اقتصادی؛ مزیت واقعی یا روایت تکراری؟ منطقه مهران در استان ایلام، به دلیل اتصال مستقیم به مرز عراق، یکی از مهم‌ترین دروازه‌های تجاری و زيارتی کشور محسوب می‌شود. حجم بالای تردد سالانه زائران، به‌ویژه در ایام اربعین، یک جریان پایدار خدماتی و لجستیکی ایجاد کرده است.

در ادبیات توسعه منطقه‌ای، چنین موقعیتی معمولاً سه مزیت ایجاد می‌کند:

کاهش هزینه حمل‌ونقل خارجی

امکان توسعه بازار خدمات مرزی

جذب سرمایه در بخش لجستیک و انبارداری

اما تجربه مناطق آزاد کشور نشان داده که «موقعیت خوب» به‌تنهایی معادل «سرمایه‌گذاری واقعی» نیست. به بیان ساده، جغرافیا کار خود را می‌کند؛ بقیه‌اش معمولاً به بروکراسی واگذار می‌شود.

۲. مقیاس پروژه؛ زمین زیاد، سرمایه نامعلوم

بر اساس مصوبات رسمی، محدوده منطقه آزاد مهران حدود ۳۵ هزار هکتار تعیین شده است.

این عدد در ظاهر بزرگ است، اما در اقتصاد مناطق آزاد یک حقیقت ساده وجود دارد: زمین بدون سرمایه، فقط یک نقشه رنگی است. در سطح ملی نیز سیاست‌گذار هدف‌گذاری کرده که هر منطقه آزاد بتواند حدود ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جدید جذب کند.

اگر این هدف حتی به‌صورت نسبی محقق شود، مهران باید به یکی از قطب‌های مهم جذب سرمایه در غرب کشور تبدیل شود؛ چیزی در حد یک چشم‌ساختاری، نه یک رشد تدریجی.

با این حال، داده‌های کلان نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پروژه‌های مناطق آزاد در کشور با تأخیر یا عدم تحقق مواجه شده‌اند و نرخ عملیاتی شدن طرح‌ها پایین‌تر از انتظارات اولیه بوده است.

۳. مزیت‌های اقتصادی قابل اتکا

فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مهران را می‌توان در چهار محور اصلی دسته‌بندی کرد:

الف) لجستیک و ترانزیت

نزدیکی به مرز عراق، مهران را به گزینه‌ای طبیعی برای ایجاد مراکز لجستیکی، انبارهای گمرکی و خدمات ترانزیتی تبدیل می‌کند. با توجه به افزایش تجارت منطقه‌ای، این بخش می‌تواند بیشترین بازده کوتاه‌مدت را داشته باشد.

ب) خدمات زیارتی و گردشگری مرزی

تردد میلیونی زائران، یک بازار پایدار برای هتل‌سازی، حمل‌ونقل و خدمات رفاهی ایجاد کرده است.

ج) صنایع سبک و تبدیلی

با توجه به هزینه پایین زمین و نیروی کار در استان ایلام، صنایع سبک مانند بسته‌بندی، فرآوری محصولات کشاورزی و تولیدات کوچک می‌توانند مزیت رقابتی داشته باشند.

د) تجارت فرامرزی با عراق

بازار عراق، به‌عنوان شریک اصلی تجاری این منطقه، ظرفیت بالایی برای صادرات کالاهای ایرانی دارد؛ به‌ویژه در حوزه مصالح ساختمانی و کالاهای مصرفی.

۴. چالش‌های ساختاری؛ جایی که واقعیت وارد می‌شود

با وجود مزیت‌های نظری، تجربه مناطق آزاد کشور نشان می‌دهد که چالش‌ها اغلب جدی‌تر از فرصت‌ها هستند:

ریسک مقرراتی؛ تغییرات ناگهانی در سیاست‌های تجاری و گمرکی

کمبود زیرساخت حمل‌ونقل پیشرفته

ضعف در جذب سرمایه خارجی پایدار

وابستگی شدید به سرمایه‌گذاری دولتی

حتی در سطح ملی نیز آمارها نشان می‌دهد که با وجود رشدهایی مانند افزایش ۵۷ درصدی سرمایه‌گذاری جذب شده در مناطق آزاد، بخش عمده‌ای از این رشد همچنان متکی به سرمایه داخلی است، نه سرمایه خارجی پایدار.

به بیان ساده‌تر: پول داخلی در حال جابه‌جایی است، نه ورود پول تازه از خارج.

۵. مقایسه با استانداردهای بین‌المللی

در مدل‌های موفق جهانی، مناطق آزاد زمانی موفق بوده‌اند که سه عامل هم‌زمان فعال باشند:

ثبات حقوقی بلندمدت

دسترسی مستقیم به بازارهای بزرگ

مدیریت مستقل و چابک

در مهران، عامل سوم در حال شکل‌گیری است، عامل دوم تا حدی وجود دارد، اما عامل اول همچنان محل سؤال است. بدون ثبات مقرراتی، سرمایه‌گذار خارجی معمولاً علاقه‌ای به ورود ندارد؛ حتی اگر زمین رایگان باشد و آب و برق هم «تقریباً تضمینی» باشد.

جمع‌بندی تحلیلی

منطقه آزاد مهران از نظر موقعیت جغرافیایی و کارکرد مرزی، یکی از پروژه‌های بالقوه مهم در غرب کشور است. وسعت ۳۵ هزار هکتاری و هدف جذب ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده نگاه کلان دولت به این منطقه است.

با این حال، تجربه مناطق آزاد در ایران نشان می‌دهد که فاصله میان «طرح روی کاغذ» و «سرمایه‌گذاری واقعی» معمولاً طولانی‌تر از پیش‌بینی‌هاست.

اگر مهران بتواند سه متغیر کلیدی یعنی ثبات مقررات، توسعه زیرساخت و جذب سرمایه خصوصی واقعی را هم‌زمان مدیریت کند، احتمال تبدیل شدن آن به یک هاب تجاری منطقه‌ای وجود دارد. در غیر این صورت، این منطقه نیز در بهترین حالت به یک گذرگاه مرزی بهبودیافته تبدیل خواهد شد؛ شیک‌تر از قبل، اما نه الزاماً ثروتمندتر.

در نهایت، سرمایه‌گذاری در مهران بیشتر از آنکه مسئله زمین و موقعیت باشد، مسئله «اعتماد اقتصادی» است؛ چیزی که معمولاً در جدول‌های آماری به‌راحتی دیده می‌شود، اما در واقعیت به‌سختی ساخته می‌شود.



حسنا جابی

روزنامه نگار

تجارت جهان در زمانی که بسیاری از شهرهای ساحلی جهان با چالش هم‌زمان توسعه اقتصادی و حفاظت محیط‌زیست دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بندرانزلی در شمال ایران در حال تجربه مسیری است که اگر به درستی اجرا شود، می‌تواند به یک الگوی قابل توجه در هم‌افزایی مدیریت شهری و مناطق آزاد تبدیل شود.

نشست اخیر میان مدیرعامل سازمان منطقه آزاد انزلی، شهرداری و شورای اسلامی بندرانزلی، تنها یک جلسه اداری معمولی نبود؛ بلکه نشانه‌ای از شکل‌گیری یک رویکرد تازه در مدیریت شهری و منطقه‌ای است؛ رویکردی که به جای رقابت‌های نهادی، بر همکاری ساختاری و توسعه مشترک تکیه دارد.

در این نشست، مصطفی طاعتی‌مقدم، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد انزلی، با تأکید بر این نکته که «توسعه منطقه آزاد و شهر انزلی مکمل یکدیگر هستند»، از چارچوبی سخن گفت که در آن مرز میان توسعه شهری و توسعه اقتصادی در حال بازتعریف است. این نگاه، اگرچه در ادبیات برنامه‌ریزی شهری جدید نیست، اما در عمل کمتر در ساختارهای اجرایی منطقه‌ای به‌صورت منسجم پیاده شده است.

هم‌افزایی به جای موازی‌کاری

در سال‌های گذشته، یکی از چالش‌های اصلی در مناطق دارای ساختار منطقه آزاد، وجود دو مسیر موازی تصمیم‌گیری بوده است؛ یکی در سطح مدیریت شهری و دیگری در سطح سازمان منطقه آزاد. نتیجه این دوگانگی، در بسیاری از موارد، کندی پروژه‌ها، دوباره‌کاری در زیرساخت‌ها و عدم انسجام در سیاست‌گذاری شهری بوده است. اما توافق اخیر در بندرانزلی، نشانه‌ای از تلاش برای عبور از این الگوی قدیمی است. بر اساس آنچه در این نشست مطرح شد، دو نهاد اصلی مدیریت شهری و اقتصادی منطقه، به سمت تعریف پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری حرکت می‌کنند؛ پروژه‌هایی که قرار است هم‌زمان نیازهای توسعه‌ای شهر و اهداف اقتصادی منطقه آزاد را پوشش دهند.

این تغییر رویکرد، در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل می‌تواند ساختار تصمیم‌گیری در یکی از مهم‌ترین مناطق ساحلی دریای خزر را دگرگون کند.

تجارت جهانی گزارش می‌دهد

انزلی در مسیر توسعه مشترک



شهر، منطقه آزاد و یک اکوسیستم مشترک

بندر انزلی به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، همواره در نقطه تلاقی تجارت، گردشگری و محیط‌زیست قرار داشته است. وجود تالاب بین‌المللی انزلی به عنوان یکی از مهم‌ترین اکوسیستم‌های آبی منطقه، در کنار ظرفیت‌های بندری و منطقه آزاد، این شهر را به یک فضای پیچیده و چندلایه تبدیل کرده است.

در چنین بستری، تفکیک کامل میان «شهر» و «منطقه آزاد» نه تنها دشوار، بلکه در بسیاری از موارد غیرعملی است. به همین دلیل، تأکید بر «مکمل بودن» این دو ساختار، بیش از آنکه یک شعار اداری باشد، نوعی بازگشت به واقعیت‌های جغرافیایی و اقتصادی منطقه محسوب می‌شود.

در این نشست، موضوعاتی مانند توسعه خدمات شهری، اجرای پروژه‌های مشترک زیرساختی، برنامه‌های فرهنگی و به‌ویژه توجه به مسائل زیست‌محیطی تالاب انزلی به عنوان محورهای همکاری مطرح شد. این ترکیب موضوعات نشان می‌دهد که نگاه جدید صرفاً

اقتصادی نیست، بلکه تلاش دارد توسعه را در قالبی چندبعدی تعریف کند.

سرمایه‌گذاری مشترک؛ از ایده تا اجرا

یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های این توافق، تمرکز بر تعریف پروژه‌های مشترک سرمایه‌گذاری است. در بسیاری از مدل‌های توسعه شهری، سرمایه‌گذاری مشترک میان نهادهای محلی و مناطق اقتصادی ویژه، به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای تسریع پروژه‌ها شناخته می‌شود.

در بندرانزلی نیز این رویکرد می‌تواند به معنای تجمیع منابع، کاهش موازی‌کاری و افزایش بهره‌وری در پروژه‌های عمرانی و خدماتی باشد. از توسعه زیرساخت‌های شهری گرفته تا پروژه‌های گردشگری و خدمات عمومی، چنین مدلی می‌تواند سرعت تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها را افزایش دهد.

با این حال، موفقیت این مدل وابسته به یک عامل کلیدی است: هماهنگی نهادی پایدار. بدون سازوکارهای شفاف تصمیم‌گیری و تقسیم مسئولیت، پروژه‌های مشترک می‌توانند به جای تسریع

گزارش کوتاه

اینچه برون؛ ظرفیتی بزرگ، کارنامه‌ای کوچک



دستگاه‌های اجرایی گلايه دارند. تجربه دیگر مناطق آزاد نیز نشان داده است که بی‌ثباتی سیاست‌گذاری و نبود پنجره واحد کارآمد، از مهم‌ترین عوامل کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. هنگامی که سرمایه‌گذار ناچار باشد میان چندین دستگاه اداری رفت‌وآمد کند، مزیت‌های قانونی عملاً اثر خود را از دست می‌دهند.)

سومین چالش، نبود زنجیره ارزش تولید و صادرات است. موقعیت مرزی اینچه برون، آن را به گذرگاهی طبیعی برای تجارت بدل کرده است، اما صرف قرار گرفتن در مسیر کریدورها، تضمین‌کننده توسعه اقتصادی نیست. اگر صنایع فرآوری، صنایع پایین‌دستی، مراکز نوآوری و خوشه‌های صادرات‌محور در منطقه شکل نگیرند، اینچه برون بیش از آنکه به موتور تولید ثروت تبدیل شود، تنها نقش مسیر عبور کالا را ایفا خواهد کرد. تجربه برخی مناطق آزاد کشور نیز نشان می‌دهد که فاصله گرفتن از مأموریت تولید و صادرات، به افزایش واردات و کاهش ارزش افزوده منجر شده است.

منطقه آزاد اینچه برون از نظر جغرافیا، شاید یکی از خوش‌اقبال‌ترین مناطق اقتصادی ایران باشد؛ اما جغرافیا به تنهایی توسعه نمی‌آفریند. توسعه، محصول حکمرانی کارآمد، زیرساخت آماده، ثبات مقررات و اعتماد سرمایه‌گذار است. اگر این سه چالش در کوتاه‌مدت مدیریت نشود، مزیت راهبردی اینچه برون می‌تواند به فرصتی از دست رفته بدل شود؛ فرصتی که رقابتی منطقه‌ای با سرعت بیشتری در حال بهره‌برداری از آن هستند.

تجارت جهان منطقه آزاد اینچه برون با گستره‌ای نزدیک به ۱۲ هزار و ۵۷۷ هکتار، قرارگیری در مسیر سه کریدور راهبردی شمال-جنوب، شرق-غرب و راه‌آهن ایران، ترکمنستان و قزاقستان و دسترسی به بازار بیش از ۲۲۰ میلیون نفری آسیای میانه و روسیه، از دیدگاه جغرافیایی یکی از ارزشمندترین دارایی‌های اقتصادی ایران به شمار می‌رود. با این حال، گذشت چند سال از آغاز فعالیت این منطقه نشان می‌دهد که میان ظرفیت‌های روی کاغذ و دستاوردهای عملی، شکافی چشمگیر وجود دارد؛ شکافی که سه چالش اصلی، آن را ژرف‌تر کرده است.

نخستین چالش، کندی توسعه زیرساخت‌های پایه است. هرچند در اسناد رسمی از چشم‌انداز جابه‌جایی ۲۰ میلیون تن بار در افق ۲۰ ساله و ایجاد هاب لجستیکی کشور سخن گفته می‌شود، اما بخشی از زیرساخت‌های کلیدی از جمله پایانه‌های لجستیکی، انبارهای استاندارد، زیرساخت‌های صنعتی و خدمات پشتیبان هنوز با نیازهای یک منطقه آزاد رقابت‌پذیر فاصله دارند. سرمایه‌گذار، پیش از معافیت مالیاتی، به زیرساخت پایدار می‌اندیشد و هر روز تأخیر در تکمیل این زنجیره، هزینه فرصت منطقه را افزایش می‌دهد.

دومین چالش، فاصله میان مزیت‌های قانونی و واقعیت اجرایی است. قوانین مناطق آزاد، از معافیت مالیاتی ۲۰ ساله، امکان مالکیت کامل سرمایه‌گذار خارجی و تسهیل تجارت سخن می‌گویند؛ اما فعالان اقتصادی همچنان از طولانی بودن برخی فرایندهای اداری، ناپایداری مقررات و هم‌پوشانی وظایف

گزارش کوتاه

پارس جنوبی در آستانه افت فشار؛ زنگ خطر برای

قلب انرژی ایران



این پروژه شامل ایجاد هفت هاب فشارافزایی، ده‌ها سکوی دریایی و حدود ۵۶ کمپرسور توربینی است؛ زیرساختی که بدون آن، بخشی از گاز در مخزن باقی‌مانده و قابل برداشت نخواهد بود.

رقابت با قطر و خطر مهاجرت گاز

در سوی دیگر میدان، قطر با سرمایه‌گذاری گسترده در حال افزایش فشار برداشت از سمت شمالی (North Field) است. این اختلاف فشار می‌تواند باعث «مهاجرت گاز» به سمت قطر شود؛ پدیده‌ای که به معنای از دست رفتن تدریجی سهم ایران از ذخیره مشترک است.

اثر بر صنایع و صادرات

کاهش تولید پارس جنوبی مستقیماً به کاهش خوراک صنایع پتروشیمی، افت تولید میعانات گازی و محدودیت صادرات منجر می‌شود. این موضوع همچنین می‌تواند در زمستان‌ها به ناترازی شدید گاز، محدودیت برق و حتی توقف برخی صنایع انرژی بر منجر شود.

برآوردهای صنعتی نشان می‌دهد حتی افت‌های ۱۰ تا ۱۵ درصدی تولید در یک دوره پنج‌ساله می‌تواند ساختار مصرف داخلی و صادرات گاز را به‌طور کامل دچار بازاریابی کند.

جمع‌بندی

پارس جنوبی امروز در نقطه‌ای ایستاده که تصمیم‌گیری درباره فشارافزایی، نه یک انتخاب توسعه‌ای، بلکه یک ضرورت بقا برای صنعت گاز ایران است. تأخیر در اجرای این پروژه‌ها می‌تواند به کاهش پایدار تولید، از دست رفتن سهم در میدان مشترک و فشار سنگین بر اقتصاد انرژی کشور منجر شود.

تجارت جهان

میدان گازی پارس جنوبی، بزرگ‌ترین مخزن گازی جهان و ستون فقرات تأمین انرژی ایران، وارد مرحله‌ای شده که مهندسان نفت آن را «آغاز افت فشار ساختاری» می‌نامند؛ مرحله‌ای که در صورت تعلل در اجرای پروژه‌های فشارافزایی، می‌تواند اقتصاد گاز محور کشور را با کاهش جدی تولید و افزایش وابستگی به واردات روبه‌رو کند.

میدان مشترک پارس جنوبی با قطر، بیش از ۷۰ درصد گاز ایران را تأمین می‌کند و در مجموع یکی از بزرگ‌ترین منابع گازی جهان محسوب می‌شود. اما داده‌های فنی نشان می‌دهد فشار مخزن از حدود ۲۱۰ بار در سال‌های اخیر به‌طور میانگین سالانه حدود ۷ بار کاهش یافته است؛ روندی که به افت تولید حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال منجر شده است.

برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد در صورت تداوم وضعیت فعلی، تولید روزانه گاز ایران طی ۵ تا ۷ سال آینده می‌تواند تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب کاهش یابد؛ یعنی نزدیک به یک سوم ظرفیت فعلی.

این افت فشار تنها یک مسئله فنی نیست؛ بلکه یک تهدید اقتصادی مستقیم است. برخی برآوردها خسارت بالقوه ناشی از کاهش تولید را تا ۳۰ میلیارد دلار در سال تخمین می‌زنند.

فشارافزایی؛ پروژه چند ده میلیارد دلاری

برای جلوگیری از سقوط تولید، ایران ناچار به اجرای پروژه‌های عظیم فشارافزایی است. بر اساس قراردادهای اخیر، طرح‌های توسعه‌ای در پارس جنوبی حدود ۱۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اولیه نیاز دارند و در مجموع نیاز سالانه صنعت گاز ایران برای حفظ ظرفیت تولید حدود ۱۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود.